

گروه سیاسی- مانبا ششویبری: آذر منصوری از جمع زنان

گروه سیاسی– **مانبا ششویبری**: آذر منصوری از جمع زنان اصلاح طلبی مانند معصومه ابتکار، شهیندخت مولاوردی و اشرف بروچردی و دیگر زنانی است که در فضای کنونی جامعه شجاعت آن را داشته که با جای چریک پیر (پهزاد نبوی) بگذارد. پهزاد نبوی اولین رئیس جبهه اصلاحات بود که با اجماع اصلاح طلبان به این جایگاه رسید اما پس از انتخاب منصوری به جای نبوی در جبهه اصلاحات، اعضای این جبهه به برخی از تصمیمات وی انتقاد داشتند که منصوری می‌گوید تمامی تصمیم‌ها با رای اکثریت گرفته می‌شود.

وی در مصاحبه تفصیلی که با روزنامه مردم سالاری به موضوعات مختلف داخلی، درون حزبی و سیاست خارجی گاهی جامع می‌اندازد و لب به انتقاد از وضع موجود باز می‌کند.

در عین حال کمتر از ۷۵ روز تا انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی باقی مانده، انتخاباتی که همچون انتخابات ۱۴۰۰ خبری از چهره‌های شاخص اصلاح طلب نیست. برخی از قهر اصلاح‌طلبان با صندوق‌های رای صحبت می‌کنند، رئیس جبهه اصلاحات اما معتقد است قانون انتخابات مصادق خود تحریمی است و نیاز نیست اصلاح‌طلبان با انتخابات قهر کنند.

آذر منصوری از بی‌تاثیر شدن صندوق رای در جامعه سخن می‌گوید. وی معتقد است که اصلاح طلب و اصولگرا مرجعیت خود را در جامعه از دست داده اند و به همین دلیل جامعه و نسل معترض، خیابان را انتخاب کرده است.

منصوری براین اعتقاد است که اصلاحات به دنبال بازگرداندن مرجعیت خود در جامعه است ولی شرایط کنونی برای سیاست ورزی اصلاح طلبان به مراتب سخت تر و هزینه بارتر از شرایط اصولگرایان منتقد است.

وی تاکید می‌کند که نهادهای واسط کار‌دهای خود را از دست داده اند و اگر اصلاح طلبان بخواهند مانند گذشته به سیاست ورزی خود ادامه دهند، همان آبروی باقی مانده را نیز از دست خواهند داد.

منصوری با تاکید بر اینکه «تکرار می‌کنم‌ها» دیگر موجی را در جامعه برنمی‌انگیزد می‌گوید که در عین حال اصلاح طلبان همیشه در ناامیدی خالق امید بوندند.

آذر منصوری به انتقاداتی که او می‌شود نیز اشاره کرد و گفت: ریاست بر جبهه اصلاحات آقندر ارزش ندارد که اعضای جبهه اصلاحات به خاطر آن بخواهند مقابل همدیگر قرار بگیرند. مشروح گفت‌وگوی مردم سالاری با آذر منصوری را در ادامه می‌خوانید:

در سخنرانی‌های خود به نوسازی گفتمان اصلاحات اشاره کردید، مولفه‌های نوسازی گفتمان اصلاحات چیست؟
در تحلیلی که به ویژه بعد از انتخابات سال ۹۶ و وضعیت جامعه داشتیم؛ با اعتراضات بی‌دربی مواجه شدیم که آخرین اعتراضات با عنوان جنبش زن، زندگی، آزادی شناخته می‌شود.

در جریان این اعتراضات مرحله به مرحله فشاری در سطح جامعه به وجود آمد که هر روز بیشتر از جریان اصلاحات و گفتمان اصلاح‌طلبی فاصله گرفت. اگر این روند درست و دقیق آسیب شناسی نشود، اینکه چرا اصلاح‌طلبان باید گفتمان خودشان را نوسازی کنند هم روشن نمی‌شود.

ما در فضای پیش از اتفاقات سال گذشته (جنبش مهسا) تلاشمان کردیم تا اصلاح طلبان با سیاست ورزی از حداکثر ظرفیت‌های جامعه استفاده کنند، که در این مسیر اولاً شیوه جامعه‌گرایی در کشور اصلاح شده و منطبق با خواست و مطالبات جامعه شود و دوماً در نگاه فراگیرتر، این حضور اصلاح طلبان به تقویت مشروعیت سیاسی که مهمترین مولفه‌اش توجه ساختار نظام به مولفه‌های مردم سالاری و دموکراسی است، بی‌انجامد.

اما روند به گونه‌ای طی شده بود که در اتفاقات سال ۱۴۰۱ اگر از معترضان می‌پرسیدید که این اعتراض چه نسبتی با جریان اصلاحات دارد، پاسخ همه آنها این بود، که هیچ نسبتی! این یعنی جامعه به موقعیت و سطحی از تغییر رسیده که با گفتمان اصلاحات نمی‌توانست نسبتی برقرار کند. در این باره آقای خاتمی هم تاکید داشتند که نسبتی در صورت مردم دوم خردادی اگر نگوئیم ممتنع شده، با صخره ستبر بن بست مواجه شده است.

بعد از تحلیلی که از رفتار حاکمیت داشته‌ایم و البته هنوز داریم، باید براساس مولفه‌هایی این تحلیل را به روز کنیم؛ اولین نتیجه‌ای که به آن رسیدیم این بود که باید گفتمان جریان اصلاحات به روز رسانی و نوسازی شود و مهمترین تاکید ما هم این است که این گفتمان با بیانیه ۱۵ ماده ای آقای خاتمی نسبت مستقیم داشته باشد.

برخی از این مواد ۱۵ گانه تاکید بر اصلاح ساختارها دارد، برخی تاکید بر اصلاح رفتارها و برخی تاکید براصلاح رویکردها. به نوعی وقتی از انتخابات آزاد صحبت می‌شود، این را می‌شود در حد «پارادایم شیفت» هم تلقی کرد.
این در واقع مهمترین نگاه و محوری که در نوسازی گفتمانی مدنظر ما هست، این است که جریان اصلاحات بتواند مسیری را با تاسی از این گفتمان طی کند که هم جامعه را با خود همراه کند، هم مرجعیتی که از دست داده است را برگرداند؛ از سوی دیگر بتواند در سیاست گذاری و حکمرانی تاثیر گذار باشد.
اصلاح طلبیان می‌خواهند رویکرد و نگاهی که به انتخابات و صندوق رای دارند، تنها نگاه مطالبه گرانه باشد نه نگاه گرفتن امتیاز برای خودشان این دو مقوله کاملاً متفاوت است. نگاه مطالبه گرانه یعنی صندوق رای که مردم به آن اعتماد ندارند و سوی مشارکت گریز شده‌اند، باید به صاحبان اصلی‌اش برگردد، از سوی دیگر تمام عواملی که باعث شده است که صندوق رای از مردم گرفته شود باید کنار بر طرف شود.

اگر ما تعریف درستی از امنیت ملی در جهان امروز داشته باشیم، یکی از عوامل اصلی تهدید کننده امنیت ملی فقدان مشروعیت سیاسی نظام است؛ تقویت نظامی که ما فکر می‌کنیم باید نسبتش با گفتمان نوظل‌لوشاتو روشن باشد، ما هم به تقویت آن نظام کمک خواهیم کرد. یعنی نظامی که برآمده از یک انقلاب مردمی بوده و قرار بود مردم ولی نعمتان اصلی آن باشند.

جریانات اصولگرایان علاقه‌مند به استفاده از جوانان هستند، یکی از انتقاداتی که از اصلاح‌طلبان می‌شود این است که بهایی به جوان‌ها داده نمی‌شود و اصلاح طلبان نتوانسته‌اند نیروهای جوانی را تربیت کنند. شما این انتقاد را وارد می‌دانید و چرا؟
بله، به نظر من این انتقاد وارد است؛ اما دلیل دارد که این اتفاق نمی‌افتد. تقریباً همه کسانی که ۲خرداد ۷۶ جوان بودند، الان جزو میانسالان و کهنسالان کشور هستند. نوع نگاه و ظرفیتی که در آن مقطع تاریخی در کشور وجود داشت، این امکان را برای بخشی از جوانان فراهم کرد که بتوانند در عرصه سیاسی، مدنی و رسانه‌ای حضور پیدا کنند و انگیزه و فعالیت داشته باشند؛ خیلی از این افراد همچنان راهشان را ادامه داده‌اند.
براید این نکته تاکید کنم که اقتضالات جریان اصلاحات با شرایط جدید ایران نتواند کاملاً متفاوت است، جوانان می‌آیند در احزاب اصلاح طلب فعالیت می‌کنند و دارای شناسنامه حزبی می‌شوند، عمدتاً این شناسنامه برایشان مزیتی ندارد؛ باید زمینه تربیت مدیران و نیروهای شایسته از جوان‌هایی که جذب احزاب می‌شوند فراهم شود. این ظرفیت را رشد بدهد و

آذر منصوری در جریان سخنرانی در تهران

خودش هم بتواند از این ظرفیت استفاده کند. اما اتفاقی که می‌افتد این است که برای جریان اصلاحات راه حضور در مبادی قدرت بسته است.

اما جریان اصولگرایی نه تنها تمام نهادهای غیرانتخابی را در اختیار دارد، بلکه از امکان توزیع رانت و پست و جهت حضورشان در نهادهای قدرت نیز برخوردار است. از طرف دیگر هیچ هزینه‌ای هم پرداخت نمی‌کنند.
اینها کاملاً با یک نوسازی و بازسازی همراه شده است. اگر این موارد را درک نکنیم و بخواهیم به همان روال گذشته به سیاست ورزی خودمان ادامه دهیم، در انتخابات ۱۴۰۲ همین اندک اعتبار و آبروی که اصلاح طلبان کسب کرده‌اند هم از دست خواهیم داد.
آیا قهر کردن با صندوق رای و یا استفاده نکردن از ظرفیت‌های اصلاح طلبان و نیروهای همسو درست بود؟
ما در جبهه اصلاحات گفتیم توصیه‌ای برای ثبت نام در انتخابات نداریم، بسرای این اظهار نظر نیز دلیل داشتیم؛ در قانون جدید انتخابات که تصویب و ابلاغ شد، متأسفانه این اختیار آقندر به هیات‌های اجرائی و نظارتی داده شده است که حتی پس از انتخابات هم بتوانند افراد را رد صلاحیت کنند، این قانون خودش مصادق خود تحریمی است، نیاز نیست اصلاح‌طلبان با انتخابات قهر کنند. این قانون آقندر دایره انتخاب مردم را تنگ می‌کند که تمایلی برای انتخاب کردن میان مردم باقی نمی‌ماند.
در انتخابات دوره‌های ۱۴۰۰ شاهد بودید که اصلاح طلبان در همه شهرها لیست شدند، آقای خاتمی هم تکرار کرد، اما ما چقدر رای آوردیم؟ نفر اول ما تهران چقدر رای آورد؟ مساله ما جامعه است، جامعه‌ای که هیچ مناسبتی بین مطالباتش و صندوق رای نمی‌بیند.

خوب چرا جامعه از صندوق رای نا امید شده است؟
در انتخابات ۹۶ ما از همه ظرفیت‌های خود استفاده کردیم؛ از تمام احزاب اصلاح طلب، از آقای خاتمی، شورای عالی سیاست گذاری، خود من سال ۹۶ به ۳۰ سالی سفر و برای آقای روحانی سخنرانی کردم.
در شهر تهران نزدیک به ۱۰۰ ستاد تاسیس شد. سه جرات می‌گویم اگر حوزه‌های اخذ رای زود بسته نمی‌شد، آقای روحانی نه ۲۴ میلیون بلکه بیش از ۲۷ میلیون رای می‌آورد. آن حضور مردم یعنی اوج امید و مشارکت اجتماعی در انتخابات. این بزرگترین پشتوانه برای منتخب مردم بود.

بسه اعتقاد من رای آقای روحانی در حد رفراندوم بود، این رای گرنتری پشتوانه و قدرت اجتماعی بود که پشت سرق‌رای روحانی وجود داشت و حتی در دولت دوم می‌توانست گام‌های جدی‌تری بردارد؛ وزرای بهتری انتخاب کند، چون مجلس هم که همراه خودش بود و هر فردی که معرفی می‌کرد رای می‌آورد. چرا این اتفاق نیفتاد؟ چرا رای بالا، دستاوردی نه برای آقای روحانی داشت، نه برای جریانی که از آن حمایت کرد، نداشت؟
بحث ما فقط انتخابات و نظارت استصوابی نیست، بحث ما ساختاری است که اساساً قدرت ظرفیت نهادهای انتخابی را نادیده می‌گیرد. شما حتی اگر ۲۴ میلیون رای هم داشته باشید نمی‌توانید نفر اول وزارت خانه را به مجلس معرفی کنید. من شنیدم آقای روحانی برای وزارت علوم نفر پانزدهم لیستش را به مجلس معرفی کرد. ملت می‌گویند خواست ما کجا قرار است

یا آقای ظرفیت؟
سیاست‌گذاری ما در این دوره روی این موضوع تاکید داشت که با همه گروه‌ها، شخصیت‌ها و افرادی که ممکن است با آنها حداقل اشتراکات را داشته باشیم، تعامل کنیم. در واقع ائتلاف‌هایی باید بر سرر موضوعات مختلف با جریان‌های سیاسی کشور اتفاق بیافتد.

من از شخص خاصی اسم نمی‌برم، ولی شرایط انتخابات در این دوره متفاوت با ادوار گذشته است. تحلیلی که ما نسبت به این انتخابات و به ویژه ابلاغ قانون انتخابات جدید داشتیم، این شرایط را نسبت به انتخابات ادوار گذشته متفاوت کرده است. می‌توانم بگویم نقطه عطف آن نیز بیانیه گام دوم انقلاب است. از این مقطع اساساً مشارکت حداکثری از دستور کار کنار گذاشته شد. سال ۹۷ منتشر شد، ما باید بچگونه باید با جامعه همراه شویم؟ جامعه‌ای که در همه بزنگاه‌ها با «تکرار می‌کنم» آقای خاتمی و فراخوان‌های جبهه اصلاحات به صحنه آمد، با یک سرخوردگی شدید و جدی مواجه شد. اعتراضات پشت اعتراضات نشان داد که اساساً نگاهش با قبل از انتخابات ۹۸ نسبت به انتخابات و صندوق رای کاملاً تفاوت کرده است.

در این شرایط نوع تعامل ما با افراد و شخصیت‌ها هم یک رویکرد انتخابیانی صرف پیدا نمی‌کند، بیشتر تعامل ما در راستای حضور در پیش آنها در صحنه و استفاده از ظرفیت‌های است که دارند؛ که این شرایط این افراد کمک می‌کنند، جریان ریشه داری که به دنبال اصلاح رویکردها و رویه‌هاست، بتواند بدنه اجتماعی خود را دوباره به دست آورد.

واقعیت جامعه این استت که گروه‌های داخلی سیاسی اعم از اصلاح طلب و اصولگرا که تا قبل از این اعتراضات می‌توانستند مکرر این روزها از زبان فعالان سیاسی شنیده می‌شود که مشارکت بالا از دستور کار خارج شده است، این نشان می‌دهد که ما با یک انتخابات متفاوت از انتخابات قبل از سال ۹۷ مواجه هستیم که باید بتوانیم یک تحلیل و ارزیابی واقع بینانه از آن داشته باشیم.
با روندی که ما از ۹۴، ۹۲، ۹۴ و ۹۶ شروع کردیم، حداکثر تلاشمان این بود که مردم را در انتخابات با خودمان همراه کنیم، مردم هم با ما همراه شدند، اما پساً انتخابات ۹۶ و بعد از بیانیه گام دوم که سال ۹۷ منتشر شد، ما باید بچگونه باید با جامعه همراه شویم؟ جامعه‌ای که در همه بزنگاه‌ها با «تکرار می‌کنم» آقای خاتمی و فراخوان‌های جبهه اصلاحات به صحنه آمد، با یک سرخوردگی شدید و جدی مواجه شد. اعتراضات پشت اعتراضات نشان داد که اساساً نگاهش با قبل از انتخابات ۹۸ نسبت به انتخابات و صندوق رای کاملاً تفاوت کرده است.

در این شرایط نوع تعامل ما با افراد و شخصیت‌ها هم یک رویکرد انتخابیانی صرف پیدا نمی‌کند، بیشتر تعامل ما در راستای حضور

رئیس جبهه اصلاحات در گفت و گو با «مردم‌سالاری»:

اراده غالب تداوم یکدستی وضع موجود و نادیده گرفتن خواست مردم است

✓ نهادهای واسط کارکردهای خود را از دست داده‌اند



به عنوان مرجع مطالبات جامعه را پیگیری کنند؛ مرجعیت خود

را از دست داده اند و به همین دلیل صدای براندازها بلند شده

قدرت معترض خیابان را انتخاب کرد؛ نهادهای واسط

کار کرد خود را از دست داده‌اند.

به اعتقاد من احیای این جایگاه و این موقعیت برای اصلاح‌طلبان در این شرایط باید اولویت اصلی باشد؛ بنابراین هم باید نگاه ما به

انتخابات باشد، هم به ظرفیت‌های شخصیت‌های تاثیر گذار و هم جامعه. اینها کاملاً با یک نوسازی و بازسازی همراه شده است.

اگر این موارد را در ک نکنیم و بخواهیم به همان روال گذشته

به سیاست ورزی خودمان ادامه دهیم، در انتخابات ۱۴۰۲ همین

اندک اعتبار و آبروی که اصلاح طلبان کسب

کرده‌اند هم از دست خواهیم داد.

آیا قهر کردن با صندوق رای و یا استفاده نکردن از ظرفیت‌های اصلاح طلبان و

نیروهای همسو درست بود؟

ما در جبهه اصلاحات گفتیم توصیه‌ای برای ثبت نام در انتخابات نداریم، بسرای این اظهار نظر نیز

دلیل داشتیم؛ در قانون جدید انتخابات که تصویب

و ابلاغ شد، متأسفانه این اختیار آقندر به هیات‌های اجرائی و نظارتی داده شده است که حتی پس از انتخابات هم بتوانند افراد را رد صلاحیت کنند، این قانون خودش مصادق خود تحریمی است، نیاز نیست اصلاح‌طلبان با انتخابات قهر کنند. این قانون آقندر دایره انتخاب مردم را تنگ می‌کند که تمایلی برای انتخاب کردن میان مردم باقی نمی‌ماند.

در انتخابات دوره‌های ۱۴۰۰ شاهد بودید که اصلاح طلبان در همه شهرها لیست شدند، آقای خاتمی هم تکرار کرد، اما ما چقدر رای آوردیم؟ نفر اول ما تهران چقدر رای آورد؟ مساله ما جامعه است، جامعه‌ای که هیچ مناسبتی بین مطالباتش و صندوق رای نمی‌بیند.

خوب چرا جامعه از صندوق رای نا امید شده است؟

در انتخابات ۹۶ ما از همه ظرفیت‌های خود استفاده کردیم؛ از

تمام احزاب اصلاح طلب، از آقای خاتمی، شورای

عالی سیاست گذاری، خود من سال ۹۶ به ۳۰

سالی سفر و برای آقای روحانی سخنرانی کردم.

در شهر تهران نزدیک به ۱۰۰ ستاد تاسیس شد. سه جرات می‌گویم اگر حوزه‌های اخذ رای زود

بسته نمی‌شد، آقای روحانی نه ۲۴ میلیون بلکه بیش از ۲۷ میلیون رای می‌آورد. آن حضور مردم

یعنی اوج امید و مشارکت اجتماعی در انتخابات. این بزرگترین

پشتوانه برای منتخب مردم بود.

بسه اعتقاد من رای آقای روحانی در حد رفراندوم بود، این رای

گرنتری پشتوانه و قدرت اجتماعی بود که پشت سرق‌رای روحانی وجود داشت و حتی در دولت دوم می‌توانست گام‌های جدی‌تری بردارد؛ وزرای بهتری انتخاب کند، چون مجلس هم که همراه خودش بود و هر فردی که معرفی می‌کرد رای می‌آورد. چرا این اتفاق نیفتاد؟ چرا رای بالا، دستاوردی نه برای آقای روحانی داشت، نه برای جریانی که از آن حمایت کرد، نداشت؟
بحث ما فقط انتخابات و نظارت استصوابی نیست، بحث ما ساختاری است که اساساً قدرت ظرفیت نهادهای انتخابی را نادیده می‌گیرد. شما حتی اگر ۲۴ میلیون رای هم داشته باشید نمی‌توانید نفر اول وزارت خانه را به مجلس معرفی کنید. من شنیدم آقای روحانی برای وزارت علوم نفر پانزدهم لیستش را به مجلس معرفی کرد. ملت می‌گویند خواست ما کجا قرار است

یا آقای ظرفیت؟
سیاست‌گذاری ما در این دوره روی این موضوع تاکید داشت که با همه گروه‌ها، شخصیت‌ها و افرادی که ممکن است با آنها حداقل اشتراکات را داشته باشیم، تعامل کنیم. در واقع ائتلاف‌هایی باید بر سرر موضوعات مختلف با جریان‌های سیاسی کشور اتفاق بیافتد.

من از شخص خاصی اسم نمی‌برم، ولی شرایط انتخابات در این دوره متفاوت با ادوار گذشته است. تحلیلی که ما نسبت به این انتخابات و به ویژه ابلاغ قانون انتخابات جدید داشتیم، این شرایط را نسبت به انتخابات ادوار گذشته متفاوت کرده است. می‌توانم بگویم نقطه عطف آن نیز بیانیه گام دوم انقلاب است. از این مقطع اساساً مشارکت حداکثری از دستور کار کنار گذاشته شد. سال ۹۷ منتشر شد، ما باید بچگونه باید با جامعه همراه شویم؟ جامعه‌ای که در همه بزنگاه‌ها با «تکرار می‌کنم» آقای خاتمی و فراخوان‌های جبهه اصلاحات به صحنه آمد، با یک سرخوردگی شدید و جدی مواجه شد. اعتراضات پشت اعتراضات نشان داد که اساساً نگاهش با قبل از انتخابات ۹۸ نسبت به انتخابات و صندوق رای کاملاً تفاوت کرده است.

در این شرایط نوع تعامل ما با افراد و شخصیت‌ها هم یک رویکرد انتخابیانی صرف پیدا نمی‌کند، بیشتر تعامل ما در راستای حضور

در پیش آنها در صحنه و استفاده از ظرفیت‌های است که دارند؛ که این شرایط این افراد کمک می‌کنند، جریان ریشه داری که به دنبال اصلاح رویکردها و رویه‌هاست، بتواند بدنه اجتماعی خود را دوباره به دست آورد.

واقعیت جامعه این استت که گروه‌های داخلی سیاسی اعص از اصلاح طلب و اصولگرا که تا قبل از این اعتراضات می‌توانستند مکرر این روزها از زبان فعالان سیاسی شنیده می‌شود که مشارکت بالا از دستور کار خارج شده است، این نشان می‌دهد که ما با یک انتخابات متفاوت از انتخابات قبل از سال ۹۷ مواجه هستیم که باید بتوانیم یک تحلیل و ارزیابی واقع بینانه از آن داشته باشیم.
با روندی که ما از ۹۲، ۹۴، ۹۴ و ۹۶ شروع کردیم، حداکثر تلاشمان این بود که مردم را در انتخابات با خودمان همراه کنیم، مردم هم با ما همراه شدند، اما پساً انتخابات ۹۶ و بعد از بیانیه گام دوم که سال ۹۷ منتشر شد، ما باید بچگونه باید با جامعه همراه شویم؟ جامعه‌ای که در همه بزنگاه‌ها با «تکرار می‌کنم» آقای خاتمی و فراخوان‌های جبهه اصلاحات به صحنه آمد، با یک سرخوردگی شدید و جدی مواجه شد. اعتراضات پشت اعتراضات نشان داد که اساساً نگاهش با قبل از انتخابات ۹۸ نسبت به انتخابات و صندوق رای کاملاً تفاوت کرده است.

در این شرایط نوع تعامل ما با افراد و شخصیت‌ها هم یک رویکرد انتخابیانی صرف پیدا نمی‌کند، بیشتر تعامل ما در راستای حضور

ساختاری در شرایط موجود می‌تواند کاراتر ایفای نقش کند.
انتقاداتی از شخص شما از داخل جبهه اصلاحات شنیده می‌شود؛ به عنوان مثال از تندروی شما صحبت می‌کنند؛ نظرتان درباره این صحبت‌ها چیست؟
در جلسات مجمع عمومی ما مشکلی نداریم. این اظهارنظرها بیشتر در فضای رسانه‌ای مطرح می‌شود. در جلسات مجمع عمومی طبق نظام نامه مصوب همه اعضا در همه میاحث هم می‌توانند پیشنهاد طرح موضوع دهند، هم از حق مشارکت برابر برخوردار هستند.

رئیس‌س هم در این مجموعه یک رای بیشتر ندارد. دبیر جبهه اصلاحات نیز منتخب مجمع عمومی است، سخنگو نیز همینطور. دموکراتیک‌تر از این در این سطح و ساختار نمی‌توان عمل کرد.

اما در خصوص ریاست جبهه اصلاحات در این دوره، در جلسه‌ای که من به این سمت انتخاب شدم؛ اعلام شد که چه کسانی برای ریاست جبهه کاندیدا هستند؛ هیچ محدودیتی برای اینکه افراد دیگر کاندیدا شوند وجود نداشت، خیلی‌ها من را پیشنهاد دادند، من نیز سایرین را پیشنهاد دادم.

اینگونه نبوده استت که یک حزب بخواهد اعمال قدرت کند، یا این ریاست آقندر ارزش داشته باشد که اعضای جبهه اصلاحات به خاطر آن بخواهند مقابل همدیگر قرار بگیرند. رئیس جبهه اصلاحات فقط زحمت و دردسر بیشتری دارد، اداره یک جمع من نیز سایرین را پیشنهاد دادم.

اینگونه نبوده استت که یک حزب بخواهد اعمال قدرت کند، یا این ریاست آقندر ارزش داشته باشد که اعضای جبهه اصلاحات به خاطر آن بخواهند مقابل همدیگر قرار بگیرند. رئیس جبهه اصلاحات فقط زحمت و دردسر بیشتری دارد، اداره یک جمع من نیز سایرین را پیشنهاد دادم.

بحث تندروی را مطرح کردید، من نمی‌دانم مصادق این تندروی چه چیزی می‌تواند باشد؛ ولی تمامی آنچه که در این دوره از جبهه اصلاحات اتفاق افتاده با رای مجمع عمومی بوده است. حداقل رای هم که به پیشنهادات داده شد، ۳۳ رای از مجموع

۲۴ نفر بود.

چه متن بیانیه‌هایی که جبهه اصلاحات منتشر کرده، چه رفتارهایی که به نوعی ترجمه رویکرد جامعه محوری جبهه اصلاحات بوده، تماماً از مسیر مشورت و جمع‌بندی‌ها اتفاق افتاد

که می‌توان آن را از ظرفیت‌های جبهه اصلاحات دانست.

تلاش ما برای همگرایی و انسجام حداکثری در جبهه اصلاحات

است. به هیچ وجه ما صلاح نمی‌بینیم که اختلاف نظرها به سطح

رسانه‌ها کشیده شود. فضا برای گفت و گو و تعامل فراهم است.

اخیراً به یک گروه ۵ نفره ماوریت داده شده که با احزابی که انتقاد دارند نیز گفت وگو کنند. مهمترین مساله این است که ما

در جبهه اصلاحات پایبند به کار جمعی باشیم؛ قاعده کار جمعی

هم رای اکثریت است، ما راه دیگری نداریم.

خانم منصوری آیا بازنگری قانون اساسی در دستور کار

جبهه اصلاحات هست؟

در نوسازی گفتمان اصلاحات که پیش نویس آن تهیه شده است،

به این موضوع هم پرداخته شده است، اما هنوز روی این سند

در حال گفت وگو هستیم.

اشکالاتی که در قانون اساسی وجود دارد و همان اصلاحات

ساختاری که آقای خاتمی هم در بیانیه به آن اشاره کرده‌اند، در

بحث بیانیه گفتمانی وجود دارد.

جبهه‌های که ۳۱ حزب با گرایش‌های مختلف در آن حضور دارند

و ۱۵ نفر از شخصیت‌های حقیقی باید بتواند به یک متن مورد

توافق در این زمینه دست پیدا کنند، ما باید بتوانیم روی این متن تفاهم کنیم که می‌شود اشتراکات گفتمانی جبهه اصلاحات.

در اینس موضوع صرف واژه بازنگرری را به کار نمی‌برم، ولی این موضوع هم ذیل نوسازی گفتمانی در دستور کار جبهه اصلاحات قرار خواهد گرفت.

در بحث سیاست خارجی به نظر می‌رسد مسیر صحیحی در پیش گرفته نشده است، بطور مثال درباره توافق و اجرای دوباره برجام، آیا جبهه اصلاحات در این حوزه نظر خاصی دارد؟

منصوری: سیاست خارجی ما اگر در مسیر درست و سازنده قرار گرفته بود، اثاث اولیه آن را باید در اقتصاد ایران نشان می‌داد. بخش عمده و علت اصلی این وضعیت اقتصادی کشور ما همین رویکردی استت که در سیاست خارجی متأسفانه وجود دارد. در دوره اول ریاست جمهوری آقای روحانی که برجام به تصویب رسید ما شاهد بودیم که چقدر اقبال به سرمایه گذاری در ایران رویه افزایش بود.

من فکر می‌کنم نقطه‌ای که اصلاح طلبان روی

آن اشتراک گفتمانی دارند، همین سیاست

خارجه است. تعامل سازنده با جهان، استفاده

از ظرفیت‌های دیپلماتیک برای رشد اقتصادی کشور، رفاه جامعه و اعتلای موقعیت و جایگاه

ایران.

در واقع اشتراک گفتمانی روی این مساله وجود

دارد، که ما روی سیاست خارجه نیاید به دنبال دشمن تراشی باشیم. هیچ کشوری نه دوست دائم ماست و نه دشمن دائم ما. ما باید از همه ظرفیت‌های جامعه جهانی برای بهبود وضعیت کشورمان در راستای بهبود منافع ملی استفاده کنیم. همان کاری که همه کشورهای از جمله روسیه و چین انجام می‌دهند. دیپلماسی و سیاست خارجی را نباید فدای هیچ ملاحظه‌ای کنیم.

نظر جبهه اصلاحات درباره اتفاقات غزه چیست؟

از شروع حمله حماس با بیشترین واکنش‌ها را داشتیم. اوایل انگشت اتهام از سمت جامعه به سمت ما بود این بود که داوری شما غیرمنصفانه است؛ اما ما از جاشمان می‌دهیم به جنایت‌های اسرائیل در این ۷۵ سال در مواجهه با مردم فلسطین. ما نباید جای ظلم و مظلوم را تحت تاثیر روایت‌سازی‌ها تغییر دهیم.

ما یک نامه به سه زبان به آنتونیو گوترش نوشتیم و خواستار آتش بس فوری شدیم و اینکه حق مردم فلسطین برای تشکیل

و دولت مستقل محترم شمرده شود. همچنین نسل‌کشی‌های

که در غزه اتفاق می‌افتد را نیز محکوم کردیم. نامه دیگری نیز

از طرف جبهه اصلاحات به رئیس کمیسرایای حقوق بشرهم

نوشته شد.

در طی این مدت هم موضوع غزه و حماس همواره یکی از

مواردی بوده که اخبارش در جبهه اصلاحات مطرح شده است.

در ادامه نیز اعلام موضع خواهیم کرد.

آینده جبهه اصلاحات و آینده سیاسی کشور را چطور می‌بینید؟

اینکه اصلاح طلبان همه از حاکمیت اخراج شده اند را نه تنها نقت نمی‌دانم بلکه نعمت می‌دانم که اصلاح طلبان بتوانند یک نگاهی از درون به خودشان داشته باشند، خودشان را بازسازی کنند. ارتباط خودشان را با جامعه وسیع‌تر کنند و بدون چشم داشت برای حضور در قدرت بتوانند پایگاه اجتماعی خودشان را تقویت کنند. اصلاح طلبان همیشه در شرایط ناامیدی توانسته‌اند

امید خلق کنند.

این کار سختی است، ولی من فکر می‌کنم شرایط سخت است که

عبار اصلاح طلبی مشخص می‌شود.

درباره شرایط کشور هم به شدت نگران هستیم، روندی که هم درسیاست خارجی و هم داخلی در حال اتفاق است، این یکدست

سازگی هیچ نفعی نه برای جناح حاکم در کشور دارد نه برای جامعه ایران می‌تواند چیزی داشته باشد.

همانطور که شاهد افزایش میزان ناراضیانی‌ها هستیم و می‌بینیم روز به روز شکاف بین حاکمیت و جامعه بیشتر می‌شود، ما همچنان تاکید به اصلاح این شیوه و رویکرد داریم و این اطمینان

جود دارد که این یکدستی ادامه نخواهد داشت.